**دکتر کنوت هایم، امثال، درس پنجم،   
نکات برجسته از امثال ۱-۹**

© ۲۰۲۴ کنوت هایم و تد هیلدبرانت

این دکتر کنوت هایم است که در حال تدریس کتاب امثال است. این جلسه شماره پنج، نکات برجسته از امثال ۱ تا ۹ است.

به سخنرانی پنجم در مورد کتاب مقدس امثال خوش آمدید.

در سخنرانی پنجم، قصد داریم کمی بیشتر به بررسی برخی از تأثیرات مطالعه مدرن روش تفسیر شعر و چگونگی تأثیر آن بر درک ما از کتاب امثال بپردازیم و سپس تنها از یک مطالعه موردی، یعنی از فصل سوم امثال، برای به‌کارگیری برخی از آموخته‌هایمان در بخش اول سخنرانی پنجم در مورد روش تفسیر شعر استفاده خواهیم کرد. نیمه اول قرن بیست و یکم، زمانی که ما در حال ضبط این سخنرانی‌ها هستیم، زمان هیجان‌انگیزی برای مطالعه شعر کتاب مقدس است. محققان زبان و ادبیات به بینش‌های جدید و هیجان‌انگیزی در مورد شعر دست یافته‌اند و این همان چیزی است که می‌خواهم اکنون با شما در میان بگذارم.

زبان‌شناسی مدرن و من به برخی از شاخه‌ها اشاره خواهم کرد و نظرات کلی در مورد این شاخه‌های مختلف روش‌شناسی مدرن که به تفسیر خلاقانه و ماهرانه شعر کمک می‌کنند، ارائه خواهم داد. بنابراین، اولین مورد از این موارد این است که زبان‌شناسی مدرن به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه کلمات در زمینه‌های مختلف معانی مختلفی به دست می‌آورند و چگونه ترکیب کلمات معنایی تولید می‌کند که بسیار فراتر از مجموع معانی بخش‌های جداگانه است. این به ما کمک می‌کند تا ابهام را به عنوان یک مزیت ببینیم نه یک مانع، چیزی که در سخنرانی‌های قبلی به آن اشاره کرده‌ام.

محققان مدرن شعر عبری به ما کمک کرده‌اند تا بر ایده‌های ساده‌انگارانه‌ی موازی‌سازی شاعرانه غلبه کنیم و زیبایی شعر عبری را دوباره کشف کنیم، چیزی که ما در یکی از سخنرانی‌های قبلی نیز بر آن تمرکز کرده‌ایم. نظریه‌ی انتقادی مدرن ما را الهام می‌بخشد تا سوالات تازه‌ای از متون آشنا بپرسیم، ما را دعوت می‌کند تا ارتباط مدرن آنها را دوباره کشف کنیم و ما را قادر می‌سازد تا در تولید معنای دگرگون‌کننده‌ی شعر، مشارکت‌کنندگان فعالی باشیم. مطالعه‌ی مدرن استعاره‌ها، و من در یک یا دو سخنرانی آینده چیزهای بیشتری در مورد استعاره‌ها خواهم گفت، مطالعه‌ی مدرن استعاره‌ها به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه استعاره‌هایی که برای صحبت در مورد مشکلات پیچیده استفاده می‌کنیم، تفکر و زندگی ما را شکل می‌دهند.

هرمنوتیک مدرن به ما کمک می‌کند تا اشعار کتاب مقدس را با فروتنی و انتظار بخوانیم. آن نقل قول معروف که من مدام تکرار می‌کنم و امیدوارم تا آخر عمرتان آن را به خاطر داشته باشید، آنچه با تخیل نوشته شده است باید با تخیل خوانده شود، همانطور که محقق مشهور کاتولیک اسپانیایی، لوئیس آلونسو شوکل، می‌گوید. می‌گفتند. بنابراین، از بسیاری جهات، مطالعه‌ی شعر عبری تازه آغاز شده است.

ما به قلمرو جدیدی از ذهن رسیده‌ایم که در انتظار کشف ماست، سرزمینی که کاملاً برای تخیل تفسیری گشوده شده و ما را به آغاز یک ماجراجویی هیجان‌انگیز ذهنی دعوت می‌کند که می‌تواند زندگی، ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اخلاقی ما را تغییر دهد و ما را به مشارکت‌کنندگان مثبت‌تری در جامعه تبدیل کند. و در نتیجه، دنیای ما را به نفع عموم تغییر دهد. اکنون، چنین خوانش مسیحیِ خلاق و مسئولانه‌ای نیازمند مهارت و تخیل است و کلیسا و کنیسه باید برای کسب این فضایل تفسیری به چالش کشیده شوند و توانمند شوند.

برای مثال، استعاره‌های شاعرانه در کتاب مقدس فوق‌العاده قدرتمند هستند و می‌توانند به عنوان نیرویی برای خیر یا برای ترویج یا توجیه شر مورد سوءاستفاده قرار گیرند. از یک سو، آنها می‌توانند عوامل تغییر مفیدی باشند که با مسئولیت‌پذیری و مهارت برای خیر عمومی به کار گرفته شوند. از سوی دیگر، تفاسیر سطحی و نه چندان شایسته می‌توانند آنها را به دام‌های خطرناکی تبدیل کنند که مسیحیان و یهودیان خیرخواه را گمراه کرده و پیش‌فرض‌های کوته‌بینانه و خطرناک رایج در محیط فرهنگی عمومی را تأیید کنند.

در یک مطالعه مهم درباره اهمیت اخلاقی قانون عهد عتیق برای مسیحیان، گوردون ونهام، محقق برجسته عهد عتیق، توضیح می‌دهد که قوانین معمولاً مصالحه‌ای عمل‌گرایانه بین آرمان‌های قانونگذار و آنچه در عمل قابل اجرا است، هستند. قوانین نشان نمی‌دهند که چه چیزی از نظر اجتماعی مطلوب است، چه برسد به ایده‌آل. آنها استانداردهای نسبتاً حداقلی را اعمال می‌کنند و کفی برای رفتار قابل قبول تعیین می‌کنند، نه سقفی اخلاقی.

من نقل می‌کنم که آنها آرمان‌های قانونگذاران را فاش نمی‌کنند، بلکه فقط محدودیت‌های تحمل آنها را نشان می‌دهند. پایان نقل قول. در مقابل، من استدلال می‌کنم که اشعار کتاب مقدس، از جمله اشعار کتاب امثال، می‌توانند ما را به پیش ببرند.

در کلمات و عبارات زیبای آن و افکار و احساسات و چالش‌های اخلاقی قدرتمندش، ما واقعاً با رویاها و امیدهای قوم خدا روبرو می‌شویم. و نگاهی اجمالی به آرمان‌های خدا برای زندگی‌های پربار و هدفمند می‌اندازیم که به طور فعال در جهت خیر عمومی مشارکت می‌کنند، نه اینکه صرفاً از انجام کار اشتباه اجتناب کنند. اکنون می‌خواهم به یک مطالعه موردی خاص از کتاب امثال سلیمان بپردازم.

این در فصل ۳، آیات ۹ تا ۱۰ است. و این شعری دربارهٔ رفاه است، حوزه و مضمونی در کتاب امثال که بسیار برجسته است و بعداً در یکی از سخنرانی‌های بعدی در این مجموعه به آن خواهم پرداخت. اما اکنون، این دستورالعمل مختصر در امثال ۳، ۹ تا ۱۰، که اغلب با آموزه‌های رفاه در بسیاری از سنت‌های مسیحی مرتبط است.

اینطور خوانده می‌شود، خداوند را با دارایی خود و با نوبر تمام محصولاتتان تکریم کنید. آنگاه انبارهایتان پر از فراوانی و خمره‌هایتان لبریز از شراب خواهد شد. فقط این را تکرار می‌کنم تا جا بیفتد.

با دارایی خود و با نوبر تمام محصولاتتان، خداوند را گرامی بدارید. آنگاه انبارهایتان پر از فراوانی و خمره‌هایتان لبریز از شراب خواهد شد. البته این دو آیه، سال‌ها و حتی دهه‌ها، تکیه‌گاه اصلی موعظه‌های انجیل‌گونه‌ی رفاه بوده‌اند.

یک خوانش سطحی در واقع دو ایده مرتبط را مطرح می‌کند، یکی کلی و دیگری خاص. اول، به نظر می‌رسد که این آیات نشان می‌دهند که خداترسی به طور خودکار به ثروت منجر می‌شود. دوم، به نظر می‌رسد که آنها می‌گویند که دادن هدایای سخاوتمندانه پول به کارهای کلیسا یا سازمان‌های خدمت مسیحی به طور خودکار به رفاه، به ویژه پاداش‌های مالی، منجر می‌شود.

در عمل، این اغلب منجر به دعوت مردم به دادن به اصطلاح عشر، یک دهم درآمد مالی خود، می‌شود. چنین موعظه‌ای مرتباً با وعده‌هایی همراه است مبنی بر اینکه بخشش صادقانه و سخاوتمندانه، حتی فداکارانه، افراد نسبتاً فقیر را ثروتمند خواهد کرد. با این حال، همانطور که سعی خواهم کرد در یک لحظه نشان دهم، در واقع این چیزی نیست که این آیات می‌گویند.

بلکه می‌خواهم استدلال کنم، و امیدوارم که شما هم در عرض یک دقیقه متوجه این موضوع شوید، که این آیات خطاب به افراد نسبتاً فقیر نیستند. آنها به طور کاملاً خاص، کاملاً مستقیم و صریح، خطاب به افراد ثروتمند هستند. زیرا آیه ۱۰ روشن می‌کند که انبارهای آنها، جمع، و خمره‌های آنها، باز هم جمع، بیش از ظرفیت پر خواهد شد.

بنابراین، فقط افراد نسبتاً مرفه، طویله یا خمره مخصوص به خود را دارند. کسانی که چندین طویله و خمره دارند، قطعاً ثروتمند هستند. این به چه معناست؟ این آیات به جای اینکه بشارت رفاه را برای فقرا ارائه دهند، بشارتی واقعی برای ثروتمندان هستند.

کسانی که ثروت قابل توجهی دارند، و از قبل چندین انبار و خمره دارند که فقط درآمد عادی آنها را در خود جای می‌دهد، تشویق می‌شوند که با سخاوتمندی نسبت به دیگران، خدا را در اولویت زندگی خود قرار دهند. انگیزه چنین تغییر جهت و سخاوتی سپس در وعده‌ها داده می‌شود. انبارها تا سرریز پر خواهند شد، و ظروف شراب تا سرریز.

و این وعده‌ها دو نتیجه‌ی مثبت مرتبط اما متمایز را القا می‌کنند. نتیجه‌ی اول این است که هرگونه بخشش برای کار خدا، ثروت بخشنده را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را افزایش می‌دهد. انبارها و خمره‌ها خالی یا نیمه‌پر نخواهند بود، بلکه کاملاً پر خواهند بود.

بخشش، بخشنده را تضعیف نمی‌کند. نتیجه دوم این است که چنین بخششی، برعکس، بخشنده را تا سطح مازاد و بدون افراط غنی می‌کند. انبارها و خمره‌ها دیگر وجود نخواهند داشت، ببخشید، پس بگذارید تکرار کنم، بخشنده را تا سطح مازاد و بدون افراط غنی می‌کند.

وعده انبارهای بیشتر و خمره‌های بیشتر برای پر کردن با ذرت و شراب بیشتر داده نشده، بلکه وعده سرریز شدن چیزی فراتر از سطح رفاه فعلی داده شده است. شاید در اینجا فقط باید اضافه کنم که این البته به این معنی نیست که افراد کارآفرین نباید هدف خود را گسترش کسب و کار خود قرار دهند. اما نکته این است که گسترش کسب و کار به خودی خود یک هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به توانایی و فرصت برای سخاوتمندتر شدن در آینده است.

این به معنای احتکار ثروت هرچه بیشتر و آشکارتر نیست، بلکه به معنای قادر ساختن بخشنده به بخشنده‌تر شدن است. در این صورت، تفسیری خلاقانه ادامه می‌یابد و این سؤال را مطرح می‌کند که به طرز هوشمندانه‌ای توسط این فراوانی مرموز برانگیخته شده است: بخشنده سخاوتمند با این ثروت اضافی فراتر از نیازهای واقعی خود چه باید بکند؟ پاسخ واضح، که به طرز هوشمندانه‌ای در طرح شاعرانه این نصیحت شگفت‌انگیز گنجانده شده است، این است.

آن را ببخشید! با آن به خداوند احترام بگذارید! چرخه‌ی نیکوی سخاوت فراوان را که باعث فراوانی سخاوتمندانه می‌شود، ادامه دهید. نه برای ثروتمند شدن خود، بلکه برای شکوفایی قلبی که از طریق ثروتمند کردن دیگران، خدا را جلال می‌دهد. همانطور که در سخنرانی‌های بعدی خواهیم دید، اشعار عهد عتیق کتاب مقدس عبری قدرت حرکت، التیام، به چالش کشیدن و دگرگون کردن را دارد.

در این شعر، ما همچنین نیازهایی را دیده‌ایم، خواندن چنین شعری به مهارت، تخیل و خرد نیاز دارد. این فضایل تفسیری به راحتی به دست نمی‌آیند. آنها به کار سخت، تعهد و پشتکار نیاز دارند.

اما ثمرات چنین سرمایه‌گذاری در مهارت‌های تفسیری فراوان و ارزشمند خواهد بود. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند تغییرات واقعی و پایداری را برای خودمان و برای خیر عمومی به ارمغان بیاورند. شاید فقط بخواهم یک نکته دیگر را اینجا اضافه کنم.

من این سخنرانی را ارائه می‌دهم تا مطمئن شوم که همه شنوندگان ما از این موضوع آگاه هستند که این موضوع هم برای مسیحیان و هم برای یهودیان در دنیای مدرن اهمیت دارد. اما من همچنین، البته، به عنوان یک کشیش منصوب در کلیسای متدیست و تدریس در یک مدرسه علمیه مسیحی، به عنوان یک متکلم مسیحی و یک استاد دانشگاه مسیحی نیز صحبت می‌کنم. و اکنون می‌خواهم بخش زیادی از آنچه را که در این سخنرانی‌ها در مورد کتاب امثال به اشتراک می‌گذارم، در یک زمینه هرمنوتیکی بزرگتر با توجه به نقشی که کتاب مقدس عبری، کتاب مقدس عبری یهودی و عهد عتیق مسیحی برای مسیحیان مدرن امروز ایفا می‌کنند، قرار دهم.

و البته تا حدی، برای مؤمنان یهودی مدرن امروزی نیز. و من می‌خواهم این گفته‌ها را ذیل عنوانی قرار دهم که تا حدودی تحریک‌آمیز و عمداً تحریک‌آمیز است، اما همچنین نوعی شوخی، نوعی شوخی و طنزآمیز است. برای من، عهد عتیق همان عهد جدید است.

بگذارید دوباره بگویم. عهد عتیق همان عهد جدید است. منظورم از این چیست؟ خب، عهد جدید در طول یک دوره حدود ۱۰۰ ساله توسط کسانی نوشته شده است که شخصاً عیسی مجسم را می‌شناختند یا حداقل افرادی را می‌شناختند که عیسی را از طریق تجربه دست اول می‌شناختند.

همه آنها از منظر بازگشت قریب‌الوقوع عیسی، همانطور که در انجیل‌ها، مثلاً در متی ۱۶، آیه ۲۸، یا لوقا ۹، آیه ۲۷ به آن اشاره شده است، نوشتند. از این منظر، تنها چیزی که اهمیت داشت، زندگی آینده، ابدیت در بهشت بود. همانطور که پولس در کولسیان ۳، آیه ۲ می‌گوید، ذهن خود را بر چیزهایی که در بالا هستند متمرکز کنید، نه بر چیزهایی که بر روی زمین هستند، زیرا شما مرده‌اید و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است.

در پرتو رستاخیز، چالش‌ها و فرصت‌های این زندگی زمینی، فرعی به نظر می‌رسیدند. پولس، باز هم معتقدم که رنج‌های زمان حاضر با جلالی که قرار است بر ما آشکار شود، قابل مقایسه نیست. رومیان ۸، آیه ۱۷.

بنابراین، بخش عمده عهد جدید برای آماده کردن خوانندگانش برای بهشت نوشته شده است. راهنمایی در مورد چگونگی زندگی وفادارانه در اینجا و اکنون، جنبه فرعی دارد، زیرا ما هیچ شهر پایداری نداریم، بلکه به دنبال شهری هستیم که قرار است بیاید. عبرانیان ۱۳، آیه ۱۴.

حال، در مقابل، عهد عتیق، کتاب مقدس عیسی و حواریون، در طول یک دوره زمانی حدود ۱۰۰۰ سال نوشته شده است. این کتاب توسط و برای جامعه‌ای از مؤمنان نوشته شده است که در بیشتر دوران حیات خود، اقلیتی تحت محاصره در محاصره مخالفان قدرتمند را تشکیل می‌دادند. این کتاب فراز و نشیب‌های نقص‌ها و پیروزی‌های معنوی و جسمی یک قوم را توصیف می‌کند.

این کتاب تصویری زنده از مبارزات و پیروزی‌های افراد بی‌شماری، قهرمانان بزرگ و شیرزنان ایمان در طول نسل‌های متمادی ترسیم می‌کند. این کتاب سرودهای شادی بر نعمت‌های الهی و مرثیه‌های اندوه بر داوری الهی را ارائه می‌دهد. این کتاب نگاهی اجمالی به عمیق‌ترین احساسات و ترس‌ها، بزرگترین شادی‌ها و بینش‌ها و خرد بی‌نظیر متفکران بزرگی مانند نویسندگان کتاب امثال سلیمان به ما ارائه می‌دهد.

خلاصه اینکه، عهد عتیق زندگی ایمانی قوم خدا را در طول تاریخ توصیف می‌کند. و اهمیت آن برای ایمان و عمل مسیحی مدرن در همین جا نهفته است. کلیسای مسیحی تقریباً ۲۰۰۰ سال است که وجود دارد.

در بیشتر تاریخ خود، مانند اسرائیل باستان، اقلیتی تحت محاصره بوده است. اگرچه این موضوع در مورد اروپا تقریباً از سال ۳۰۰ میلادی تا ۱۹۰۰ میلادی و در مورد آمریکای شمالی از قرن ۱۸ تا به امروز صادق نبوده است، اما مطمئناً در بیشتر تاریخ مسیحیت برای بیشتر جهان صادق بوده است. این موضوع امروزه برای اروپای غربی و هنوز هم برای بسیاری از مناطق آفریقا و آسیا صادق است.

کلیسا مانند اسرائیل باستان، پیروزی‌های شگفت‌انگیز و شکست‌های غم‌انگیزی را پشت سر گذاشته است. کلیسا مانند اسرائیل باستان، پیشرفت‌های بزرگی را برای بشریت به ارمغان آورده است. کلیسا مانند اسرائیل باستان، گناهان بزرگی مرتکب شده است.

این دین با یهودیت مدرن یکی از بزرگترین گنجینه‌های بشریت، یعنی کتاب مقدس عبری، عهد عتیق و عهد جدید را به اشتراک دارد. برای کلیسا، همانند اسرائیل باستان و یهودیت مدرن، عهد عتیق و به ویژه اشعار آن الهام‌بخش زندگی خوب، بقا در بحبوحه بی‌عدالتی و رنج، فروتنی در بحبوحه خودبزرگ‌بینی انسان و زندگی در خدمت خیر عمومی است. این دکتر کنوت هایم در آموزه‌هایش در مورد کتاب امثال است.

این جلسه شماره پنج است، نکات برجسته از امثال ۱-۹.